

فصلنامه علمی- پژوهشی تاریخ‌نامه ایران بعد از اسلام، سال اول، شماره اول، پاییز و زمستان ۸۹، صفحات ۴۱-۱۹

تاریخ دریافت: ۸۹/۸/۲۸

تاریخ پذیرش نهایی: ۸۹/۱۱/۲۰

وضع اجتماعی و اقتصادی سمنان در اوایل دوره قاجار (تا سال ۱۳۱۰ ق.)

هوشنگ خسروبیگی^۱
زهره قنبری‌مله^۲

چکیده

تاریخ ایران در دوره قاجار همواره به دلیل داشتن منابع مهم تاریخی در تمامی حوزه‌ها اعم از تاریخ عمومی، تاریخ اختصاصی، سفرنامه‌ها و... از اهمیت ویژه‌ای در میان مورخین برخوردار است و در این میان نگاهی نوین به تاریخ‌های محلی می‌تواند ابعاد جدیدی را در حوزه تاریخ به تصویر کشد.

سمنان یکی از شهرهای با پیشینه کهن در تاریخ ایران است. به نظر می‌رسد استقرار این شهر در مسیر یکی از راه‌های اصلی تجاری و زیارتی و نزدیکی آن به پایتخت قاجاریه می‌توانست در توسعه سمنان مؤثر بوده باشد. با این حال داده‌های پراکنده تاریخی نشان می‌دهد که تعداد جمعیت سمنان در دوره مورد نظر، علی‌رغم توسعه محلات، روند نزولی داشته است. این پژوهش به دنبال شناسایی علل این امر و ارزیابی مهم‌ترین مؤلفه‌های تاثیرگذار در ثبات و کاهش تعداد جمعیت سمنان در اوایل دوره قاجاریه است.

کلید واژه‌ها: بلایای طبیعی، جمعیت، راه‌ها، سمنان، شهر، فضاهای شهری، قاجاریه، محلات.

مقدمه

یکی از مهم‌ترین دوره‌های تاریخ ایران، عصر قاجار است که تحولات و تغییرات متعدد اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی مهمی را در خود دیده است که زمینه بروز و پیامدهای بسیاری از این تحولات و تغییرات در شهرها و روستاهای ایران بوده است. این مقاله تلاش دارد ضمن توجه به تغییرات تعداد جمعیت در یکی از شهرهای ایران، مؤلفه‌های مؤثر در تغییرات اجتماعی و اقتصادی سمنان را در اوایل دوره قاجاریه شناسایی و ارزیابی کند.

موقعیت جغرافیایی سمنان

منابع عصر قاجار، درباره موقعیت جغرافیایی سمنان - به‌ویژه در اواخر حکومت زندیه و اوایل قاجار - گویا نیستند؛ از یک سو زین‌العابدین شیروانی در کتاب بستان‌السیاحه خود سمنان را جزو ایالت طبرستان معرفی نموده است (شیروانی، ۱۳۰۱: ۳۰۵) و از سویی دیگر در کتاب دیگر خود با نام ریاض‌السیاحه این شهر را در قلمرو ایالت خراسان ذکر کرده است (همو، ۱۳۴۹: ۵۲۲). حداقل می‌دانیم سمنان تا سال ۱۲۵۹ق. جزو ایالت خراسان محسوب می‌شده که پس از آن سال به صورت ایالتی مستقل در آمده است (شیرازی، ۱۳۸۰: ۱۴). علت تبدیل این شهر به ایالتی مستقل را باید در خواست محمدشاه در کاهش اقتدار حاکم خراسان، وسعت خراسان، شورش‌های پی‌درپی در آن (هدایت، ۱۳۴۵: ۱۳۸۰) و در نهایت اهمیت اقتصادی سمنان، دامغان و شاهرود جستجو کرد. ملگونف نیز به سال ۱۲۷۶ق. از شاهرود و دامغان و سمنان به عنوان ولایاتی جدا یاد کرده است و حتی به تعیین حدمرز آنها می‌پردازد که با استناد به سخن او، شاهرود از شرق با روستای میامی، از غرب با تاش و از جنوب نیز با روستای ده‌ملا، مرتبط بوده است (۱۳۷۶: ۱۷۷).

ادوارد براون نیز در سال ۱۲۹۳ ق. با ارائه نقشه‌ای از ایران در زمان ناصرالدین شاه، خط مرزی ولایات فوق را مشخص نمود که در آن سمنان و دامغان، از شمال با مازندران، از مغرب با تهران، از جنوب با یزد و از مشرق با شاهرود و شاهرود نیز از شمال با استرآباد، از غرب با دامغان و سمنان و در جنوب و شرق نیز با خراسان مرتبط بوده است (Browne،

منابع از شهر سمنان به عنوان شهری خرم یاد کرده‌اند (شیروانی، ۱۳۰۱: ۲۲۴) که در موقعیت جغرافیایی خشک و نیمه‌خشک قرار گرفته است و دارای زمستان‌های سرد و تابستان‌هایی گرم است. لازم به ذکر است به کارگیری عنوان خرم برای این شهر حاکی از آن است که این منطقه در قرن نوزدهم به مفهوم واقعی به ویژگی‌های یک شهر نزدیک نبوده و بیشتر دارای بافت کشاورزی و یا شبه‌شهری بوده است.

اوضاع اجتماعی سمنان

فضاهای شهری

میرزا ابراهیم مؤلف *سفرنامه استرآباد، مازندران و گیلان*، در سال ۱۲۷۶ ق. از پنج محله در داخل سمنان و یک محله در خارج سمنان یاد کرده است. این محلات عبارت بود از: ناسار، چوب مسجد، لتی بار، اسفنجان و شاهجو و محله بیرون از شهر کوشمغان در جنوب سمنان بوده است (میرزا ابراهیم، ۱۳۵۵: ۱۶-۱۷). در سال ۱۲۸۳ ق. سه محله (کدیور، کردان‌کوه، یلخی) به تعداد این محلات افزوده شد (حکیم‌الممالک، ۱۲۸۶: ۴۹). در سال ۱۳۰۳ ق. تعداد محلات به سیزده محله رسید (اعتمادالسلطنه، ۱۳۵۵: ج ۳، ۳۱۳). برخی از این محلات در خارج از شهر بود که به تدریج وارد منطقه شهری شده است (جدول شماره ۱). این امر نشان از گسترش سطحی شهر و افزایش فضاهای شهری است.

در محله «ناسار» بناهای حکومتی از جمله ارگ و تلگراف خانه استقرار داشت (شیندلر، ۱۳۵۶: ۱۵۰). ارگ سمنان توسط بهمن میرزا - حاکم سمنان و فرزند فتح‌علی‌شاه - بنا شده بود (اعتضاد السلطنه، ۱۳۷۰: ۲۲۳).

بناهای مذهبی نیز به دلیل بافت مذهبی شهر در محلات مختلف شهر وجود داشت. از مساجد مهم در شهر سمنان می‌توان از مسجدشاه و مسجد جامع یاد کرد که هر دو در محله چوب مسجد قرار داشتند (شیندلر، ۱۳۵۶: ۱۵۲). از مساجد مهم دیگر شهر نیز می‌توان به مسجد قدیم‌البناء (وقف‌نامه حاج قربان‌علی ملحی، ۱۲۹۸ ق.)، مسجد امام موسی کاظم در

محلۀ شاهجو (وقف‌نامه استاد باقرنجر، ۱۲۵۸ق.) و مسجد خاکروبۀ در محلۀ ناسار (وقف‌نامه میرداوود عسگری قطبوع، ۱۱۶۰ق.) یاد کرد.

مساجد علاوه بر کارکرد مذهبی، کارکرد آموزشی نیز داشتند. در کنار مساجد در سمنان در اوایل دورۀ قاجار، با اهداف آموزشی فضاهایی به مدارس اختصاص یافته بود؛ به عنوان نمونه مدارس سمنان در سال ۱۲۷۶ق. چهار باب بوده است که در سال ۱۲۹۳ ق. به سه مدرسه و سپس در سال ۱۳۰۳ ق، بار دیگر به چهار مدرسه رسیده است. این مدارس عبارت بود از: مدرسۀ مسجدشاه، مدرسۀ صادق‌خان، مدرسۀ مهدی‌قلی‌خان (همان‌جا) و مدرسۀ مسعودیه (وقف‌نامه حاج‌میرزا مردان - آب سحر سمنان، ۱۰۸۰ق.)، که مسجدشاه و مدرسۀ شاه به دستور فتحعلی شاه ساخته شده بودند (جهانگیرمیرزا، ۱۳۲۷: ۲۲۰).

علاوه بر مساجد، تکایای متعددی در سمنان با کارکرد مذهبی فعال بود. تکایا و حسینیه‌های شهر سمنان عبارت بود از:

۱) محلۀ ناسار: حسینیه جدیدالبنیا (وقف‌نامه مشهدی حاجی‌بابا، ۱۳۰۲ق و وقف‌نامه کربلایی غلامرضا، ۱۳۰۳ق)، تکیه مرحوم حاجی بابا چیت‌ساز در کوچه سرلکه (وقف‌نامه مشهدی صادق، ۱۲۸۸ق).

۲) محلۀ کوشمغان: حسینیه اباعبدالله (وقف‌نامه علی کردانکوهی، ۱۲۵۶ق)، حسینیه بزرگ قدیم (وقف‌نامه سکینه‌خانم زوجۀ علی‌مهری، ۱۲۷۷ق) و تکیه همت‌آباد (وقف‌نامه کربلایی علی‌اصغر، ۱۲۷۲ق).

۳) محلۀ اسفنجان: تکیه حاجی میرجلال‌الدین، تکیه رضاآباد و تکیه پهنه (وقف‌نامه سیدابراهیم‌الحسنی، ۱۲۸۰ق).

۴) محلۀ شاهجو: تکیه نلصه در سرمحله (وقف‌نامه ملامهدی‌فخار) و تکیه‌ای نیز در محلۀ تیرکران (وقف‌نامه استاد باقر نجر، ۱۲۵۸ق).

۵) محلۀ لتی‌بار: تکیه خوش‌نیان (وقف‌نامه زینب‌بیگم، ۱۲۶۴ ق) و ابراهیم‌آباد در کوچه لوپکه (وقف‌نامه سیدابراهیم‌الحسنی، ۱۲۸۰ق).

۶) محله کدیور: حسینیه اباعبدالله معروف به حسینیه کوچه زنگوله (وقفنامه آقا بزرگ زرگر، ۱۲۷۱ق).

۷) محله چوب مسجد: تکیه سفید (وقفنامه حاج محمدابراهیم قلبیک، ۱۲۳۰ق).

ضمن آنکه وجود تکایا در محلاتی چون محله جنیدان (وقفنامه محمد مستوفی، ۱۲۸۲ق)، محله زاوقان (وقفنامه ام‌کلثوم حاجی‌نبی، ۱۲۹۶ق) و تکیه دروازه خراسان توسط کربلایی ذوالفقار (وقفنامه کربلایی ذوالفقار، ۱۲۶۵ق)، و تکیه قریب توسط حاج طاهرخان (وقفنامه طاهرخان، ۱۳۰۸ق) و سرانجام تکیه پای چنار امام ثامن علی‌بن موسی‌الرضا (ع) به سال ۱۲۴۶ق. در موقوفه مصطفی قلی‌خان یاد شده است.

جدول شماره (۱) روند رشد محلات سمنان

عنوان محلات	سال ۱۲۷۶ق	سال ۱۲۸۳ق	سال ۱۳۰۳ق
ناسار	*	*	*
چوب مسجد	*	*	*
لتی بار	*	*	*
اسفنجان	*	*	*
شاهجو	*	*	*
کوشمغان	* (بیرون شهر)	*	*
کدیور	-	*	*
کردان کوه	-	*	*
یلخی	-	*	*
فرداقان	-	-	*
عرب محله	-	-	*
زاوقان	-	-	* (بیرون شهر)
جنیدان	-	-	* (بیرون شهر)

کاروانسراهای موجود در شهر سمنان یازده کاروانسرا بوده که شش کاروانسرا در داخل شهر سمنان و پنج کاروانسرای دیگر در خارج شهر قرار داشته است. کاروانسراهای بیرون شهر عبارت بود از: کاروانسرای سپه‌سالار، کاروانسرای حاجی‌بابا کاروانسرای آقا، کاروانسرای

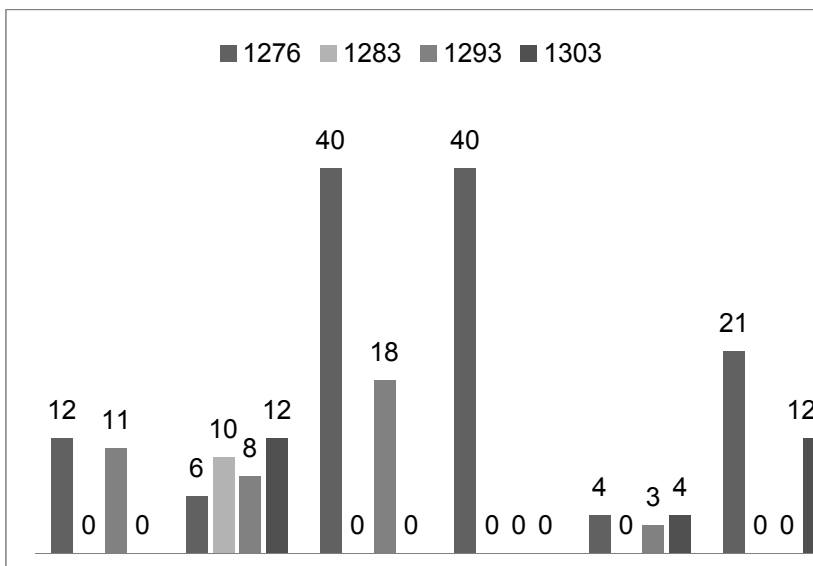
شاه‌عباسی، کاروانسرای نواب سیف‌الله میرزای مرحوم و کاروانسرای علی‌قلی کفش‌دوز (اعتمادالسلطنه، ۱۳۵۵: ج ۳، ۳۱۳).

وجود کاروانسراهای متعدد در مسیر شهر سمنان، دامغان و شاهرود، به دلیل زیارتی بودن مسیر بوده است که برای رفاه حال مسافران، منزل به منزل کاروانسراییی قرار داشته تا مأمّن و استراحتگاهی برای آنان باشد و لذا اهمیت زیارتی این راه بیش از اهمیت تجاری آن بوده است. از سویی دیگر آب و هوای مسلط بر بافت منطقه کویر الزام وجود کاروانسراهای متعدد را در مسیر زیارتی و تجاری بیش از پیش اثبات می‌نماید.

نکته قابل توجه در بررسی بافت شهری، نگاهی به بخش اقتصادی این شهر است که البته در جای خود بررسی خواهد شد و آن توجه ابتدایی به تعداد دکان‌ها و مغازه‌های این شهر است به گونه‌ای که افزایش تعداد دکان‌ها از ۳۲۰ باب (میرزا ابراهیم، ۱۳۵۵: ۱۷-۱۶) به ۵۰۰ باب (اعتمادالسلطنه، ۱۳۵۵: ج ۳، ۳۱۳) از سال ۱۲۷۶ تا سال ۱۳۰۳ ق. قابل تأمل است. سایر آمارها در جدول شماره دو نیز حاکی از آن است که رشد جمعیتی و اقتصادی در دوره قاجار در این شهر دارای نوسانات متعدد بوده است. در اینجا به منظور تکمیل این بخش جدولی از اطلاعات آماری فضاهای کالبدی شهر سمنان ارائه می‌گردد:

جدول شماره (۲) فضاهای کالبدی شهر سمنان در اوایل دوره قاجار

سال / مولفه‌ها	۱۲۷۶ ق (میرزا ابراهیم، ۱۶: ۱۳۵۵-۱۷)	۱۲۸۳ ق (حکیم‌الممالک، ۱۲۸۶ ق: ۴۹)	۱۲۹۳ ق (شبیندلر، ۱۳۵۶: ۱۵۰)	۱۳۰۳ ق (اعتمادالسلطنه، ۱۳۵۵: ج ۳، از ۳۱۳ تا ۳۲۱)
کاروان سرا	۱۲ باب	-	۱۱ کاروان سرا	-
محلات	۶ محله	۱۰ محله	۸ محله	۱۲ محله
مساجد	۴۰ باب	-	۱۸ باب	-
تکایا	۴۰ باب	-	-	-
مدارس	۴ باب	-	۳ باب	۴ باب
دکان	۳۲۰ (سروشیده)	-	-	۵۰۰ باب
حمام	۲۱ باب	-	-	۱۲ حمام (دایر)



نمودار شماره (۱) تغییرات تعداد فضاهای کالبدی شهر سمنان در اوایل دوره قاجار (از ۱۲۷۶ تا ۱۳۰۳ ق) (بدون دکان‌ها)

بافت قومی و تغییرات جمعیتی در سمنان

از جمله تحولاتی که در ساختار یک منطقه، می‌تواند تأثیرگذار باشد، تغییر در بافت قومی آن منطقه است که در برخی از موارد وجود چنین مولفه‌هایی می‌تواند تاریخ یک منطقه را به گونه‌ای دیگر از خود متأثر سازد هر چند که این اتفاق در سمنان رخ نداد اما در اینجا ناگزیر هستیم تا برای معرفی بهتر و بیشتر اقوام مهاجر در منطقه، از آنها یاد کنیم.

لازم به ذکر است که توجه به نوع مهاجرت‌ها براساس ساخت و سازهای جغرافیایی، محیطی و همسانی محیط قبلی با محیط فعلی صورت پذیرفته و قطعاً چنین روند مهاجرتی در شهر مورد تحقیق نیز رویت شده است. به گونه‌ای که در سمنان براساس گزارش اعلام شده در سال ۱۲۲۹ ق، در محله اسفنجان، اعراب ساکن بودند و قطعاً حضور آنها به صورت طایفه از قرن‌ها پیش بوده است (وقف‌نامه حاج حسن فخار، ۱۲۲۹ ق.).

در کنار اعراب غیرسادات، می‌توان از سادات نیز یاد کرد که به مانند سایر شهرها در سمنان نیز سکونت داشته‌اند که از جمله آنها می‌توان به سادات طباطبائی و خطیبه اشاره کرد (وقف‌نامه امیرکن‌الدوله، ۱۲۹۰). همچنین کرزن در سال ۱۳۰۵ ق. از ۲۵ خانوار هند و بریتانیایی نام برده که به منظور تجارت در سمنان سکنی گزیده بودند (۱۳۸۰: ج ۱، ۳۸۶-۳۸۷).

اما آهنگ رشد جمعیتی ایران در عصر قاجار، مقیاس واحد و یکسانی نداشته است، زیرا به هنگام رفاه و رونق بر جمعیت کشور افزوده شده و در هنگام قحطی، بیماری و یا جنگ از تعداد جمعیت کشور کاسته می‌شده است.

از جمله قحطی بزرگ سال‌های ۷۲-۱۸۶۹ م. / ۸۹-۱۲۸۵ ق. بین نیم تا یک‌ونیم میلیون نفر را به کام مرگ کشاند و جمعیت پس از این قحطی بزرگ تقریباً با آهنگی روبه رشد پیش رفت و این امر تا حدی نشان از رشد اقتصادی ایران در این دوره می‌باشد، هرچند که در مقاطعی جمعیت نقاط مختلف ایران با حوادث طبیعی و فاجعه بار روبه‌رو بودند. ضمن اینکه رفته‌رفته بر جمعیت شهری ایران نیز افزوده شد به طوری که جمعیت شهری در فاصله سال‌های ۱۸۰۰ تا ۱۹۱۴ م / ۱۲۲۵-۱۳۳۱ ق. دوبرابر شد و جمعیت از ۱۰ درصد به حدود ۲۵ درصد افزایش یافت (فوران، بی‌تا: ۴۲).

لذا با توجه به توضیحات فوق، عوامل متعدد در تغییرات جمعیتی در سال‌های مختلف در شهر سمنان نقش داشته است. زلزله سال ۱۸۳۰ م / ۱۲۲۴ ق. خسارات و جانی فراوانی بر جای گذارد (واتسون، ۱۳۵۴: ۲۴۲) و طاعون ۱۲۴۸ ق. / ۱۸۳۲ م. که ره‌آورد استرآبادی‌های فراری از طاعون شیوع یافته در این منطقه (استرآباد) به شاهرود و به دنبال آن دامغان بود، ۱۵۰ نفر از مردم شاهرود و ۱۵۰ نفر از مردم دامغان را به کام مرگ کشاند، اما بالای طاعون در سمنان شیوع نیافت و این شهر، از این بلا مصون ماند (ناطق، بی‌تا: ۳۳) و حتی سمنان از وبای منتشر شده در سال ۱۲۷۲-۱۲۷۳ ق. در کشور نیز مصون ماند (روزنامه وقایع اتفاقیه، ۱۳۷۳: ج ۳، ۱۹۱۳).

اما در سال ۱۲۸۸ ق. بیماری نوبه در سمنان شایع گشت و اگر چه شیوع این بیماری با تلفات و قربانیانی همراه گشت لیکن اقدامات ادیب‌الممالک، حاکم سمنان و دامغان، چون

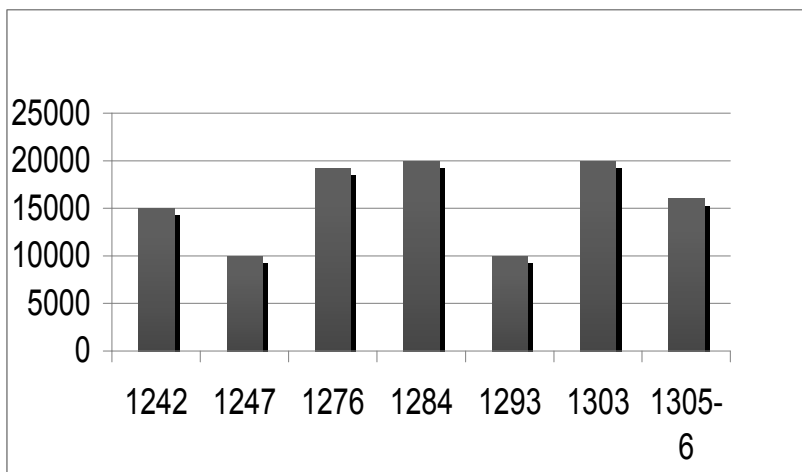
وضع قوانین جدید در پاکسازی شهر از زباله‌ها، لاشه‌های حیوانات و نیز شست‌شوی مرده در حمام مانع از گسترش بیماری شد (روزنامه ایران، ۱۳۷۴: ج ۱، ۲۷۱).

اما شیوع ذات‌الریه و نوبه در سال ۱۳۰۷ نیز در این شهر شایع گشت، لیکن خسارات کمی بر جای گذارد (همان: ۲۸۵۲ و نیز کرزن، ۱۳۸۰: ج ۱، ۳۸۶ و ۳۸۷). ضمن اینکه وجود املاح سنگین در آب سمنان، بیماری سنگ کلیه را در بین مردم شایع ساخته بود (پولاک، ۱۳۶۸: ۴۸۲).

در جدول شماره سه تغییرات جمعیتی سمنان در اوایل دوره قاجار به استناد منابع نشان داده شده است.

جدول شماره (۳) آمار جمعیتی شهر سمنان در اوایل دوره قاجار

منبع	تعداد جمعیت	سال
(شیروانی، ۱۳۴۸: ۲۶۹)	۱۵۰۰۰ نفر	۱۲۴۲ ق
(همو: ۳۴)	۱۰۰۰۰ نفر	۱۲۴۷ ق
(میرزا ابراهیم، ۱۳۵۵: ۶ و ۷)	۱۹۲۳۰ نفر	۱۲۷۶ ق
(اعتمادالسلطنه، بی تا: ج ۲ و ۱۵۳۵، ۳)	۲۰۰۰۰ نفر	۱۲۸۴ ق
(Bassett، ۱۸۸۶: ۱۹۵)	۱۰۰۰۰ نفر	۱۲۹۳ ق
(اعتمادالسلطنه، ۱۳۵۵: ج ۳، ۳۳۰)	۲۰۰۰۰ نفر	۱۳۰۳ ق
(کرزن، ۱۳۸۰: ۳۶۸)	۱۶۰۰۰ نفر	۱۳۰۵-۶ ق



نمودار شماره (۲) تغییرات جمعیت در شهر سمنان در اوایل دوره قاجار (از ۱۲۴۲ تا ۱۳۰۵ ق)

وضعیت اقتصادی سمنان در عصر قاجار

یکی از مهم‌ترین مولفه‌ها در بررسی ساختار اقتصادی در سمنان، راه و ارتباطات و نقش آن در حیات اقتصادی این شهر است؛ بدین ترتیب که مسیر تهران، سمنان، دامغان، شاهرود، مشهد به همراه تهران، فیروزکوه، مازندران، استرآباد، مشهد، دو راه پرتردد مسافران و زوار و تجار بوده است که معمولاً یکی از این دو راه را برای مسافرت برمی‌گزیدند که هر یک از این دو راه به دلایلی دارای مزایا و معایبی بوده است. مسیر فیروزکوه به دلیل کوهستانی بودن آن به‌ویژه سختی مسافرت در زمستان مشکلاتی را برای مسافران فراهم می‌ساخت و مسیر سمنان، دامغان، شاهرود نیز به دلیل گرمای شدید آن در تابستان و نیز از همه مهم‌تر، حمله ترکمن‌ها به کاروان‌های تجاری و مسافرتی همواره مخاطره‌آمیز بوده است. لیکن به دلیل هموار بودن این مسیر، و حرکت کاروان‌های نظامی و افواج مختلف با تجهیزات نظامی از این طریق، این مسیر پرتردد بود. ضمن اینکه مسیر نخستین (سمنان، دامغان، شاهرود) به عنوان بخشی از جاده قدیمی ابریشم از اهمیت تجاری و اقتصادی خاصی برخوردار بوده است. هرچند ترکمن‌ها، ناامنی را در مسیر سمنان، دامغان و شاهرود به ویژه در شاهراه

شاهرود - مشهد پدید می‌آوردند، لیکن دولت مرکزی در قبال این مسأله بی‌تفاوت نبوده است و برای سرکوبی آنها و ایجاد امنیت برای زوار دست به تدابیر مختلف می‌زد، به عنوان نمونه آقاسی‌خان، حاکم شاهرود و بسطام به سرکوبی حملات ترکمن‌ها پرداخته و سرهای آنها را از تن جدا کرد (غفاری، ۱۳۶۹: ۱۳۷). همچنین زوار در این منطقه، با محافظان و تفنگچیانی که دولت برای این منظور در آن منطقه اسکان داده بود، به رفت و آمد در این مسیر می‌پرداختند و در واقع قراچه‌داغ‌ها، همان دسته محافظی بودند که دولت در شاهرود برای دفع حملات ترکمنان اسکان داده بود (فریزر، ۱۳۶۴: ۲۶۴). اهمیت این مسیر تا حدی است که حکام هرمنطقه را واداشته بود تا به منظور رفاه حال مسافران و زوار، به ساخت قنات، کاروان سرا و چاپارخانه بپردازند. اقدامات عباس‌قلی‌خان و مرتضی‌قلی‌خان حکام شاهرود به سال ۱۲۷۲ ق. از این نوع بوده است (روزنامه وقایع اتفاقیه، ۱۳۷۳: ج ۲، ۱۱۲۷).

کشیده شدن خط تلگراف خراسان، از تهران - خوار - سمنان و شاخه‌ای به فیروزکوه و سپس از سمنان به دامغان، شاهرود و از شاهرود به بندرگز و از شاهرود به مشهد سوای اهمیت زیارتی این منطقه به لحاظ اقتصادی و تجاری بسیار مهم تلقی می‌شد؛ نمونه بارز این امر و اهمیت این مسیر به لحاظ تجاری، گزارشی است که چارلز عیسوی آن را در کتاب خود ذکر کرده است (عیسوی، ۱۳۶۹: ۲۳۵).

اما روند زمین‌داری در عصر قاجار، یک دوره پرفراز و نشیبی را پشت سر گذارد به طوری که دولت و شاه که در اوائل و اواسط قرن ۱۹ از بزرگ مالکان به حساب می‌آمدند، اما در اواخر قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰ از بزرگ مالکی خارج شدند؛ به این صورت که خاندان قاجار که حکومت را در ایران به دست گرفتند، تغییرات اساسی را در مناسبات ارضی پدید آوردند و زمین‌های خاصه و تیول را به زیان زمین‌های موقوفه گسترش دادند. این جریان گرچه نیم قرن به طول انجامید، لیکن این امر خود زمینه را برای خصوصی کردن املاک بزرگ در نیمه دوم قرن آماده ساخت و از سال ۱۸۵۰ م / ۱۲۶۶ ق. و به طور قطع در سال ۱۸۸۰ م. ۶-۱۲۹۵ ق. مالکیت زمین‌های دولتی و تیول در حد گسترده‌ای به علما، بازرگانان و مقامات دولتی انتقال داده شد (فوران، بی‌تا: ۴۶-۴۷). به عنوان نمونه، حاج‌علی‌نقی تاجر، برخی از روستاهای سمنان چون شورآب، بخش‌آباد، جهان‌آباد و محمدآباد و دهنمک

(وقف‌نامه حاج‌علی‌نقی تاجر کاشانی، ۱۲۹۵ق) را به عنوان اراضی اربابی در اختیار گرفت. به این ترتیب، حاصل این فرایند بسیار مهم پیدایش طبقه جدید اما با ثبات زمین‌داری بود که املاکش نه تنها خصوصی و شخصی بلکه بسیار بزرگ بوده و چندین پارچه آبادی را شامل می‌شد و بازرگانان به عنوان عنصر عمده تشکیل‌دهنده طبقه جدید زمین‌دار، در املاک کشاورزی سرمایه‌گذاری کرده و این روند سرمایه‌گذاری و کشاورزی بعد از دهه ۱۸۷۰ م/ ۱۲۸۶ ق. که رونق صادرات کشاورزی با فروش زمین‌های خالصه همزمان بود، شدت گرفت (فوران، بی‌تا: ۴۶-۴۷).

دلایل فروش املاک خالصه در عصر ناصری را می‌توان در عواملی چون تحولات اقتصادی در جهان و نیازهای آنی شاه و حکومت به پول نقد، تجاری شدن کشاورزی و ناسودمندی املاک خالصه داشت (شاهدی، ش سوم، ۱۳۷۶: ۵۸ و ۶۲). همچنین مسئله مهم دیگر در این عصر، وقف است که عوامل متعددی از جمله تعدی و اجحاف، جنگ و ناامنی در توسعه این سنت اسلامی مؤثر بوده است (همو: ۴۸). به گونه‌ای که در عصر قاجار و به‌ویژه در عصر ناصری، تبدیل زمین‌های خالصه به زمین‌های اربابی، بر تعداد موقوفات افزود، زیرا لازمه وقف، داشتن ملک خصوصی است به طوری که در سمنان عصر ناصری، از کل روستاهای این شهر، ۳۵ درصد آن وقفی بوده است.

جدول شماره (۴) روستاهای وقفی سمنان

ردیف	نام روستا	منبع و توضیحات
۱	دل‌زبان	وقف‌نامه امیررکن الدوله، ۱۲۹۰ ق. اوقاف سمنان (۶ دانگ وقف)
۲	دیکان (فتح‌آباد)	همان (سه دانگ وقف)
۳	صوفی‌آباد	وقف‌نامه مشهدی محمدعلی، ۱۲۵۱ ق. اوقاف سمنان، ص/ ۱۹ (قسمتی از اراضی وقف)
۴	حسین‌آباد	وقف‌نامه سیدعلی معروف به میرزاآقا بزرگ، ۱۲۵۰ ق. اوقاف سمنان، م/ ۲ (۵ دانگ از ۶ دانگ وقف)
۵	ملک‌آباد	همان، (۲ دانگ وقف)
۶	تقی‌آباد	وقف‌نامه آقا سیدمحمدابراهیم الحسنی، ۱۲۸۰ ق. اوقاف سمنان، ط/ ۴۲ (یک سهم وقف)

ادامه جدول (۴)

وقفنامه خدیجه خانم قلیبک، ۱۲۸۰ ق. اوقاف سمنان، ق. ۱۹/ (یک سهم از ۴۸ سهم)	علی آباد	۷
وقفنامه میرزااحمد مداح، ۱۲۹۲ ق، اوقاف سمنان، م/ ۱۱۰ (نیم دانگ از ۶ دانگ)	احمدآباد	۸
وقفنامه محمد مستوفی، ۱۲۸۲ ق. اوقاف سمنان، م/ ۳۵ (تمامی روستا با کل امکانات)	محمدآباد	۹
وقفنامه محمدحسین سادات طباطبایی، ۱۲۴۴ ق. اوقاف سمنان، ط/ ۱۷ (کل روستا)	حسین آباد	۱۰
وقفنامه مهدی ذوالفقارچندی، ۱۲۷۵ ق، اوقاف سمنان، ج/ ۳ (باغ روستا وقف)	علا	۱۱
وقفنامه محمدرضا شکرالله، ۱۲۰۲ ق. ش/ ۳۹ (۱ طوح میاه از ۵۸۶ میاه و یک باغ به مساحت ۱۸ قفیز)	سرخه	۱۲
وقف نامه سیدابوالقاسم موسوی، ۱۳۰۹ ق، م/ ۱۱۴ (۴ سسر از ۲۲۰ سسرکل مزرعه)	همت آباد	۱۳
وقفنامه میرزازین العابدین قاضی گری، ۱۲۳۲ ق، اوقاف سمنان، ق. ۱۳/ (۷۸ سهم از ۳۲۰ سهم)	محمودآباد	۱۴
وقفنامه کربلایی میرصادق و سیده نساء میرعابدین، ۱۲۸۲ ق. اوقاف سمنان، م/ ۱۱۳	امامزاده قاسم	۱۵
وقفنامه علی نقی تاجر کاشانی، ۱۲۹۵ ق. اوقاف سمنان، (یک چهارم کل روستا)	شورآب	۱۶
همان (تمامی املاک قریه)	دهنمک	۱۷
همان (تمامی ۶ دانگ)	بخش آباد	۱۸
همان (۲ ثلث مشاع از ۵ دانگ مشاع)	جهان آباد	۱۹
همان (تمامی ۶ دانگ)	محمدآباد	۲۰
وقفنامه اعتضادالملک، ۱۳۰۹ ق. (یک دانگ از ۶ دانگ و قنات ها).	رحمت آباد	۲۱
وقفنامه سکینه علایی، ۱۲۷۱ ق. (تمامی و همگی مزرعه روستا با کل قنات های آن)	غیاث آباد	۲۲

سایر روستاهای سمنان که اربابی بودند عبارت بود از: طالب‌آباد ذوالفقارخان، طالب‌آباد سرخه، کهنه دژ، حاجی‌آباد حاجی‌بابا، مهدی‌آباد ذوالفقار جندی، حسن‌آباد محمدحسن طباطبایی، خیرآباد اسماعیل یا محمدعلی خیرالدین، آهوان، جام، دوزهیر، تویه دروار، چاشت خوران، صوفیان، رحیم‌آباد حاج‌رحیم، جوزق‌آباد، شاهسوران، کلرود آباد، ویراب هنود، طهماسب آباد، سارو، کرمانی، سنجده، اسفرزنه، حاسم، رویان، کنز، رضی‌آباد، رضاآباد، خوریه، سیاه خرابی (اعتمادالسلطنه، ۱۳۵۵: ج ۴، ۳۳۴)، چاله‌باغ (وقف‌نامه اعتضادالملک، ۱۳۰۹ق) و مومن‌آباد (وقف‌نامه میرزا باقرالحسنی، ۱۲۷۸ق).

آنچه مسلم است آن است که زمین بهترین منبع پولی و کالایی برای سرمایه‌گذاران بخش خصوصی قلمداد می‌شده است که مهم‌ترین عامل تولید درآمد در کشور به شمار می‌رفته است. لذا سرمایه‌گذاری در آن برای رسیدن به درآمد کلان، با در نظر گرفتن نوع سطح کشت هر منطقه، برای هر سرمایه‌گذاری مهم تلقی می‌شده است و روستاها به عنوان مهم‌ترین تولیدکننده محصولات متنوع در هر منطقه بوده‌اند و نقش مهمی را در حیات اقتصادی هر منطقه ایفا می‌کردند؛ به طوری که در سال ۱۲۶۸ ق، انجیر، بادام، انار و انگور سمنان به عنوان بهترین نوع تولیدات این منطقه نام برده شده است (هدایت، ۱۳۵۶: ۱۳۵). در سال ۱۲۷۶ ق، نیز از تنباکو، قدک و خشکبار سمنان به نیکی یاد شده است (میرزاابراهیم، ۱۳۵۵: ۱۸ و ۱۹). حکیم‌الممالک نیز به سال ۱۲۸۳ ق، بر تولید زردآلو و توت و کاشت گیاهان مختلف چون زرشک و چهارپر اشاره کرده بود (حکیم‌الممالک، ۱۲۸۶ ق: ۳۶). زیتون نیز در سال ۱۲۹۰ ق، در سی جریب زمین محله لثی‌بار سمنان کشت شده است. کاشت زعفران نیز در همین سال در محدوده جاده رکن‌آباد سمنان صورت می‌گرفته است (وقف‌نامه امیررکن‌الدین، ۱۲۹۰ ق). رواج چنین محصولاتی در سمنان به دلیل نوع خاک منطقه که شوره‌زار بوده و نیز نوع آب و هوای آن بستگی داشت.

ناصرالدین‌شاه نیز در سفر خود به خراسان به سال ۱۳۰۰ ق، از کاشت صیفی‌جات به همان دلیل فوق یاد کرده است (ناصرالدین‌شاه، ۱۳۵۴: ۲۷). کاشت گندم نیز در زمین‌های زراعی سمنان مرسوم بوده است اما به تدریج از کشت آن در این منطقه کاسته شد. گزارش میرزاابراهیم (۱۳۵۵: ۱۸ و ۱۹) به سال ۱۲۷۶ ق، حکیم‌الممالک در سال ۱۲۸۳ ق و هوتم

شیندلر حاکی از کاهش تولید گندم در سمنان بوده است؛ به گونه‌ای که هر سه نویسنده اذعان داشته‌اند که غله سمنان کفاف مردم سمنان را نمی‌داد و برای حل مشکلات معیشتی مردم، غله از خوار و برنج از هزارجریب به سمنان وارد می‌شد؛ حکیم الممالک در سفر اول به سال ۱۲۸۳ ق. به منطقه خراسان، گزارش داد که شلتوک از خوار به سمنان، تهران و فیروزکوه وارد می‌شد (۱۲۸۶ق: ۴۵) و هوتم شیندلر اذعان داشت که غله سمنان کفاف ۳ ماه مردم این منطقه را می‌داده و غله ۹ ماه دیگر نیز از خوار تأمین می‌شده است (۱۳۵۶: ۱۵۵). علت کاهش تولید گندم در سمنان به دلیل تجاری شدن کشاورزی یعنی کشت و تولید محصولات زراعی نقدینه‌آور نظیر پنبه، تنباکو و توتون بوده است که در جریان تجارت بین‌المللی با سرعت بیشتری به فروش می‌رفت، همین امر سبب شد تا تولیدکنندگان غلات به تولید محصولات تجاری بپردازند. این روند از یک جهت باعث سوددهی در کوتاه‌مدت گردیده و از دیگر سو نیز کشت این محصولات، مانع از کشت محصولات مورد نیاز به‌ویژه گندم می‌شد. کاشت تخم پنبه آمریکایی در ایران به سال ۱۲۶۸ ق. (روزنامه وقایع اتفاقیه، ۱۳۷۳: ج ۱، ۴۱۶) در زمین‌های سمنان، منجر به رکود کشت غلات در این منطقه گردید؛ به طوری که به سال ۱۳۰۰ ق، قسمت اعظم زراعت سمنان را کاشت پنبه و تنباکو به خود اختصاص داد (ناصرالدین‌شاه، ۱۳۵۴: ۲۱۴). کاشت تنباکو، تا سال ۱۳۰۶-۷ ق. در سمنان همچنان ادامه داشته است به‌ویژه آنکه این منطقه به همراه خوار و ورامین بیشترین تنباکوی کشور را تولید می‌کرده‌اند (امین‌الدوله، ۱۳۷۰: ۱۱۴).

اما خشکسالی دو دهه پایانی قرن ۱۳هـ در تاریخ ایران، گرانی را پدید آورد؛ روند گرانی اجناس در سال ۱۲۸۹ ق. در تداوم گرانی کالاها در سال ۱۲۸۸ ق. و به دنبال خشکسالی سال ۱۲۸۷ ق. بوده است و این گرانی بر روی قیمت‌های سمنان اثر محسوسی گذاشت، به گونه‌ای که قیمت گندم به بالاترین حد خود در آن سال‌ها رسید (روزنامه ایران، ۱۳۷۳: ج ۲، ۱۲۴۷). بارندگی مداوم، پس از یک دوره خشکسالی به سال ۱۲۹۱ ق. (همان، ۹۵۵) با تدابیر اقتصادی اتخاذ شده از سوی ادیب‌الممالک چون مبارزه با رشوه و کاهش قیمت اجناس همراه و همگام بوده است (همان، ۲۶۷). لذا با توجه به ارقام گندم به سال ۱۲۸۸ ق. و مقایسه آن با ارقام ۱۲۹۱ ق. در سمنان، قیمت گندم در سال ۱۲۹۱ هـ ق در

مقایسه با ۱۲۸۸ ق. تقریباً ۴۱ درصد کاهش داشته است. اما جاری شدن سیل به سال‌های ۱۲۹۲ و ۱۲۹۳ ق. باعث تخریب محصولات کشاورزی شد (همان، ۱۳۰۸) و تداوم آن در سال‌های ۱۲۹۵ ق. و ۱۲۹۶ ق. همچنان به لحاظ اقتصادی صدماتی را وارد ساخت (همان، ۱۵۷۸). در سال ۱۳۰۳ ق. زنگ‌زدگی محصول گندم در سمنان، منجر به افزایش قیمت این محصول گشت و ضیاءالدوله حاکم شاهرود، تأمین غله سمنان را بر عهده گرفت (همان، ۲۵۹۶). زنگ‌زدگی مجدد گندم‌زارها به سال ۱۳۰۷ ق. در سمنان و دامغان و سپس سن خردگی گندم در این دو شهر، منطقه را با کمبود غله مواجه ساخت و بار دیگر بر قیمت گندم افزوده شد (جدول شماره پنج و شش).

از دیگر سو در همین سال کمبود گوشت نیز از معضلات دیگر مردم سمنان بوده است که با آن دست به گریبان بودند (همان، ۲۸۶۸).

نکته قابل توجه در این دوره، تورم است که دلایل متعددی را به خود اختصاص داده است؛ به عنوان نمونه می‌توان به سقوط ارزش پول ایران بارها و بارها در طول سده ۱۹ م. اشاره کرد که به شکل تورم داخلی بازتاب یافت و در نتیجه تورم‌های پی‌درپی بر سطح زندگی مردم، تأثیر منفی گذارد. افزایش قیمت گندم در سال‌های ۱۲۸۸ و ۱۲۸۹ ق. بر اثر خشکسالی چنان بر ساختار اقتصادی جامعه ایرانی اثر گذارد که سه الگوی متمایز از این طریق در ایران پدید آمد:

۱- شهرهایی که به لحاظ بازرگانی فعال بوده‌اند، بالاترین حد تورم را داشته‌اند مانند: رشت، تبریز و تهران.

۲- شهرهایی که در مناطق مرکزی بودند، نرخ تورم در آنها در مقایسه با مورد اول پایین‌تر بوده است مانند یزد، سمنان و شاهرود.

۳- در مناطق دوردست مثل سیستان، نرخ تورم در پایین‌ترین حد ممکن بوده است. ضمن آنکه بیکاری در شهرها و زوال صنایع دستی در اکثر شهرهای ایران نرخ دستمزدها را پایین آورده بود اما صادرات محصولات کشاورزی و نیز تولید محصولات تجاری در کشاورزی، موجب افزایش قیمت مواد غذایی و کاهش توانایی مردم در قدرت خرید آنها شده

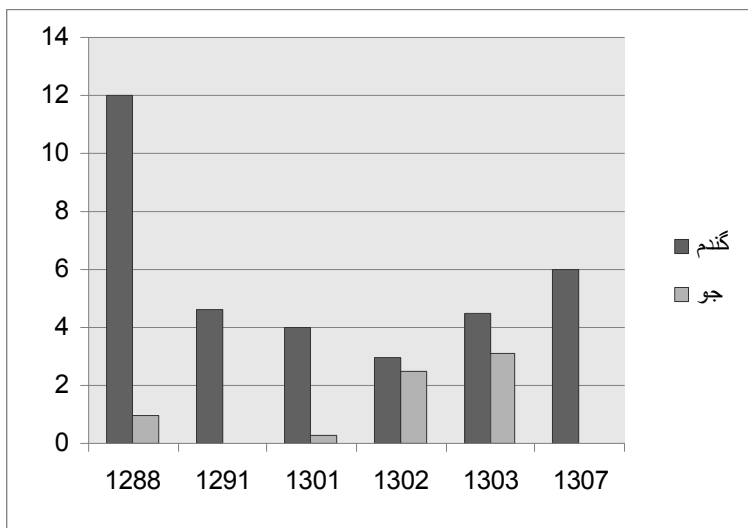
بود (فوران، بی تا: ۵۸). لذا گرچه پس از سال ۱۲۸۸ ق. نرخ اجناس در سمنان به دلیل فزونی کالا و اجناس کاهش یافت، لیکن نوسان در ارائه نرخ قیمت‌ها در سال‌های بعد مؤید نابسامانی اقتصادی در این دوران است، ضمن اینکه نباید فراموش کنیم که حتی در دوران تورم نیز، قیمت برخی از کالاها ممکن است ثابت مانده و یا کاهش یابد (نظری، ۱۳۸۰: ۲۲۵).

جدول شماره (۵) نرخ گندم در سمنان در اوایل دوره قاجار

سال	قیمت گندم	منبع
۱۲۸۸ ق	۱۲ تومان	(روزنامه ایران، ۱۳۷۴: ج ۱، ۲۷۱).
۱۲۹۱ ق	۴ تومان و ۶ هزار	(همان، ۱۳۷۵: ج ۲، ۹۶۲).
۱۳۰۱ ق	۴ تومان	(همان، ج ۳، ۲۲۶۱).
۱۳۰۲ ق	۳ تومان	(همان: ۲۲۹۵).
۱۳۰۳ ق	۴ تومان و ۵ هزار	(همان: ۲۴۱۵).
۱۳۰۷ ق	۶ تومان	(همان، ۱۳۷۶: ج ۴، ۲۸۶۸).

جدول شماره (۶) نرخ جو در سمنان در اوایل دوره قاجار

سال	قیمت جو	منبع
۱۲۸۸ ق	۱ تومان	(همان، ۱۳۷۴: ج ۱، ۲۷۱).
۱۳۰۱ ق	۲۸ هزار	(همان، ۱۳۷۵: ج ۳، ۲۲۱۶).
۱۳۰۲ ق	۲ تومان و ۵ هزار	(همان، ج ۳، ۲۲۹۵).
۱۳۰۳ ق	۳ تومان و یک هزار	(همان، ۲۴۱۵).



نمودار شماره (۳) تغییرات نرخ کنگدم و جو در شهر سمنان در اوایل دوره قاجار (از ۱۲۸۸ تا ۱۳۰۷ ق)

از جمله دیگر مؤلفه‌های مهم در بخش اقتصادی، تولید پارچه و توجه به صنایع دستی است؛ از جمله صنایع دستی پر سود در ایران، بافت انواع پارچه‌های ابریشمی، پنبه‌ای و پشمی بود. مهم‌ترین مراکز بافت پارچه‌های ابریشمی در کاشان و اصفهان استقرار داشت. اما به تدریج این صنعت کارگاهی و دستی به دلیل دادوستد با اروپا در نتیجه جابه‌جایی در دادوستد خارجی ایران از رونق افتاد و عملاً سیر نزولی پارچه‌های پنبه‌ای و ابریشمی در دهه ۱۸۵۰ م/ ۱۲۶۶ ق. آغاز شد اما سیر تدریجی نابودی آن در فاصله سال‌های ۱۸۰۰-۱۸۵۰ م. بود که دوک‌های ابریشم‌بافی کاشان از ۸۰۰۰ به ۸۰۰ دوک و در اصفهان از ۱۲۵۰ دوک به ۲۵۰ دوک رسید (فوران، بی‌تا: ۵۳). لذا تجارت پارچه‌های پنبه‌ای، پشمی و ابریشمی در سال ۱۸۵۷ م/ ۱۲۷۳ ق. ۲۷ درصد صادرات ایران را به خود اختصاص داده بود که در اوایل قرن ۲۰ این رقم به یک درصد تنزل کرد و جای آن را صنایع بومی چون بافت قالی در بر گرفت. به این ترتیب در سال ۱۸۵۷ م/ ۱۲۷۳ ق. ۴۱ درصد پارچه پنبه‌ای، ۱۳/۷ درصد پارچه پشمی و ۸/۵ درصد پارچه ابریشمی وارد ایران شده بود و در سال ۱۸۸۹ م/ ۱۳۰۵ ق. ۵۸/۴

درصد پارچه‌های پنبه‌ای و $14/6$ درصد پارچه پشمی وارد ایران شده است (همان، ۳۸). اما با این وجود، تولید کرباس به عنوان پارچه پنبه‌ای، در سمنان و دامغان رونق داشته به‌ویژه آنکه به گزارش میرزا ابراهیم به سال ۱۲۷۶ ق. (میرزا ابراهیم ۱۳۵۵: ۱۸) تولید این کالا اهمیت ویژه‌ای داشته و تولید این کالا به لحاظ اقتصادی و تجاری مهم تلقی می‌شده است. قیمت این کالا به دلیل تقاضامندی دو کشور هند و روسیه روندی صعودی داشته است (پولاک، ۱۳۸۶: ۳۷۰).

از شاخصه‌های بسیار مهم در جذب درآمد یک منطقه سوای تولیدات آن منطقه، معادن هستند که به عنوان ابزار مهم درآمد در هرمنطقه تلقی می‌شوند. معادن موجود در سمنان عبارت بود از معدن مس (ناصرالدین‌شاه، ۱۳۵۴: ۲۱۰)، گوگرد (روزنامه ایران، ۱۳۷۵: ج ۲، ۱۲۲۵) و سنگ نمک (Bassett، ۱۸۸۶: ۱۹۷) در حوالی آن. این معادن به دلیل سوددهی مناسبی که می‌توانست برای دولت داشته باشد و علی‌رغم آنکه در درآمدزایی برای کشور نقش تعیین‌کننده‌ای داشته است، هرگز توسط سرمایه‌گذاران داخلی به بهره‌برداری نرسید. هرچند که ناصرالدین شاه مالکیت و استخراج معادن مس، سرب و زغال‌سنگ سمنان را به حاج‌علی‌اکبر امین معدن در سال ۱۲۹۷ ق. سپرده بود و پیش از آن نیز میرزا علی معدنچی به فرمان ناصرالدین‌شاه به سال ۱۲۹۴ ق. سه هزار زرع از اراضی اطراف سمنان که شامل معادن آن نیز می‌باشد در اختیار گرفته بود، لیکن هیچ اقدامی در جهت استخراج معادن صورت نپذیرفت (ذوقی، ۱۳۷۵: ۹۰). کشف نفت در سمنان، پیش از ۱۳۰۵ ق. نیز به همین شکل بوده است (کرزن، ۱۳۸۰: ج ۲، ۶۱۶). گرچه ناصرالدین شاه در این زمینه نیز دست به اقداماتی زد و طی فرمانی مالکیت نفت کویر خوریان سمنان را نیز به حاج‌علی‌اکبر معادن سپرد، اما این کار هم به ثمر ننشست (ذوقی، ۱۳۷۵: ۹۰).

همچنین اهمیت تجاری شهر سمنان، در کار کرد ارتباطی آن، به عنوان پل ارتباطی قابل توجه است؛ بدین ترتیب که سمنان، به عنوان یک پل ارتباطی اجناس از بندرعباس از راه یزد و طبس، به سمت قسمت‌های شمالی ایران بوده است و عملاً این همان ویژگی است که کرزن به سال ۱۳۰۵ ق. به خوبی به آن اشاره نموده است (کرزن، ۱۳۸۰: ج ۲،

نتیجه

بررسی‌ها نشان می‌دهد که سمنان در اوائل دوره قاجاریه علی‌رغم افزایش محلات، از رشد جمعیت برخوردار نبوده است. در فاصله بیست و هفت ساله از ۱۲۷۶ تا ۱۳۰۳ ق. تعداد محلات شهر به دو برابر افزایش یافته است و گسترش جغرافیایی شهر نیز موجب شده که محلات حومه شهر نیز به فضای اصلی شهر ملحق شود. در حالی که جمعیت شهر در طی این سال‌ها از ۱۹۲۳۰ نفر به بیست هزار نفر افزایش یافته است. در حقیقت جمعیت شهر در طی این بیست و هفت سال تقریباً ثابت بوده است. مضاف آن که در سه سال بعد نیز جمعیت شهر روندی نزولی داشته است.

کاهش تعداد مساجد و حمام‌ها و ثابت بودن تعداد مدارس نیز در همین فاصله زمانی موید نزول جمعیت شهری سمنان است. به نظر می‌رسد موقعیت آب و هوایی سمنان از یک سو و بروز بیماری‌ها، بلایای طبیعی و خشکسالی این سال‌ها در بروز پدیده کاهش جمعیت شهر مؤثر بوده است. با این حال رشد سریع دکان‌ها از ۳۲۰ باب به ۵۰۰ باب در طی سال‌های فوق قابل تأمل است. به نظر می‌رسد موقعیت سمنان و استقرار آن در مسیر کاروان‌های تجاری در این امر مؤثر بوده است. گرچه کاهش کاروان‌سراها از دوازده باب به یازده باب قابل اغماض است. ولی این رویکرد را با توجه به گزارش‌های موجود نمی‌توان رونق اقتصادی تلقی کرد.

خشکسالی‌ها و بلایای طبیعی موجب تورم شده بود. تضعیف صنایع سنتی شهری در رقابت با کالاهای خارجی، عدم بهره‌برداری از توانمندی‌های اقتصادی شهری همچون معادن و نامنی‌های سیاسی زمینه‌ساز نابسامانی‌های اقتصادی را در طی این سال‌ها در سمنان فراهم آورده بود. این نابسامانی‌ها به‌نوبه خود در کنار بلایای طبیعی، موجب کاهش جمعیت شهری گردید.

منابع

- ۱- اعتضاد السلطنه، علی‌قلی‌خان (۱۳۷۰)، *اکسیرالتواریخ*، به اهتمام جمشید کیان‌فر، تهران، ویسمن.
- ۲- اعتماد السلطنه، محمدحسن‌خان (۱۳۶۷)، *مراه‌البلدان*، به کوشش عبدالحسین نوایی و میرهاشم محدث، ۴ جلد، تهران، دانشگاه تهران.
- ۳- -----، (۱۳۵۵)، *مطلع الشمس*، ۳ جلد، تهران، سازمان شاهنشاهی خدمت اجتماعی.
- ۴- امین‌الدوله، میرزاعلی‌خان (۱۳۷۰)، *خاطرات سیاسی میرزاعلی‌خان امین‌الدوله*، به کوشش حافظ فرمانفرمایان، زیر نظر ایرج افشار، چاپ سوم، تهران، امیرکبیر.
- ۵- یولاک، ادوارد (۱۳۶۸)، *سفرنامه یولاک*، ترجمه کی کاووس جهاننداری، تهران، خوارزمی.
- ۶- جهانگیرمیرزا (۱۳۲۷)، *تاریخ نو*، به اهتمام عباس اقبال، تهران، کتابخانه علمی و شرکاء.
- ۷- حکیم‌الممالک، علی‌نقی‌بن اسماعیل (۱۲۸۶ ق.)، *سفرنامه ناصرالدین‌شاه به خراسان یا روزنامه حکیم‌الممالک*، تهران، انتشارات کارخانه آقامیرباقر طهرانی.
- ۸- ذوقی، ایرج (۱۳۷۵)، *مسائل سیاسی - اقتصادی نفت ایران*، تهران، پاژنگ.
- ۹- رضاقلی میرزا، *سفرنامه رضاقلی میرزا* (۱۳۴۳)، به کوشش اصغر فرمانفرمایی، تهران، دانشگاه تهران.
- ۱۰- *روزنامه ایران* (ج: ۱: ۱۳۷۴، ج: ۳ و ۲: ۱۳۷۵، ج: ۴، ۱۳۷۶، ج: ۵: ۱۳۷۸)، تهران کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
- ۱۱- *روزنامه دولت علیه ایران* (ج: ۱: ۱۳۷۰، ج: ۲: ۱۳۷۲)، به اهتمام جمشید کیان‌فر و عنایت‌الله رحمانی، تهران، کتابخانه جمهوری اسلامی ایران.
- ۱۲- *روزنامه وقایع اتفاقیه* (۱۳۷۳)، ۴ جلد، تهران، کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
- ۱۳- شاهدی، مظفر (۱۳۷۶)، «*ملاک خالصه و سیاست فروش آن در عصر ناصری*»، موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، ش سوم، سال اول، ص ۵۸.

- ۱۴- شیرازی، میرزا فضل‌الله (۱۳۸۰)، *تاریخ ذوالقرنین*، به تصحیح ناصر افشارفر، ۲ جلد، تهران، حوزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- ۱۵- شیروانی، زین‌العابدین (۱۳۴۸)، *حدائق‌السیاحه*، تهران، دانشگاه.
- ۱۶- ----- (۱۳۴۹)، *ریاض‌السیاحه*، به تصحیح اصغر حامد ربانی، ۳ جلد، تهران، کتاب فروشی سعدی.
- ۱۷- ----- (۱۳۰۱)، *بستان‌السیاحه، تهران*، کتاب فروشی سنایی و محمدی.
- ۱۸- شیندلر، هوتم (۱۳۵۶)، *سه سفرنامه (هرات، مرو، مشهد)*، به اهتمام قدرت‌الله زعفران‌لو، تهران، طوس.
- ۱۹- عیسوی، چارلز (۱۳۶۹)، *تاریخ اقتصادی ایران عصر قاجار*، تهران، نشر گستره.
- ۲۰- غفاری کاشانی، ابوالحسن (۱۳۶۹)، *گلشن مراد*، به کوشش غلامرضا طباطبایی مجد، تهران، زرین.
- ۲۱- فریزر، جیمز بیلی (۱۳۶۴)، *سفرنامه فریزر*، ترجمه منوچهر امیری، تهران، طوس.
- ۲۲- فوران، جان (بی‌تا)، *مفهوم توسعه وابسته به مثابه کلید فهم اقتصاد سیاسی ایران در دوره قاجار*، ترجمه احد تدین، کتاب چهارم، تهران، موسسه پژوهش و مطالعات فرهنگی.
- ۲۳- کرزن، جرج (۱۳۸۰)، *ایران و قضیه ایران*، ترجمه وحید مازندرانی، ۲ جلد، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۲۴- مگلونف، گریگوری (۱۳۷۶)، *کرانه‌های جنوبی دریای خزر یا استان‌های شمالی ایران*، ترجمه مسعود گلزاری، تهران، کتاب سرا.
- ۲۵- میرزاابراهیم (۱۳۵۵)، *سفرنامه استرآباد*، مازندران و گیلان، به کوشش مسعود گلزاری، تهران، بنیاد و فرهنگ ایران.
- ۲۶- میرزا قهرمان امین‌لشگر (۱۳۷۴)، *روزنامه سفر خراسان به همراهی ناصرالدین‌شاه*، به کوشش ایرج افشار و محمدرسول دریاگشت، تهران، اساطیر.
- ۲۷- ناصرالدین‌شاه، (۱۳۵۴)، *سفرنامه خراسان*، زیر نظر ایرج افشار، تهران، فرهنگ ایران زمین.

- ۲۸- ناطق، هما، «تأثیر اجتماعی و اقتصادی و یا در دوره قاجار»، نگین، شماره ۸، ص ۳۳.
- ۲۹- نظری، محسن (۱۳۸۰)، *اقتصاد کلان*، چ دوم، تهران، نگاه دانش.
- ۳۰- واتسون، رابرت گرت، (۱۳۵۴)، *تاریخ ایران در دوره قاجاریه از ابتدای قرن ۱۹ تا سال ۱۸۵۸* م، ترجمه وحید مازندرانی، چ سوم، تهران، سیمرغ.
- ۳۱- هدایت، رضا قلی خان (۱۳۸۰)، *تاریخ روضه‌الصفای ناصری*، به تصحیح جمشید کیان فر، جلد ۹ تهران، اساطیر.
- ۳۲- ----- (۱۳۵۶)، «سفارت‌خانه خوارزم»، به کوشش علی حضوری، تهران، انتشارات طهوری.
- 33- Bassat, James (1886), *Persian the Land of the Imams*, New York, Chales Scribner.
- 34- Browne, Edward Granville (1893), *A year among the Persia*, Londow Adam and Charles Black.